



اَشِدَّاءُ عَلَى " (Severe against the disbelievers, merciful among themselves)

Based on the Perspectives of Martyr Ayatollah Khamenei

Zahra KhaniZareh¹, Nematollah Firoozi²

1. M.A. Student in Islamic Theology and Education, specialising in Quranic and Hadith Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. zahra.khanizar@imamreza.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Islamic Theology and Education, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (Corresponding Author). firoozi@imamreza.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Available online

Keywords:

Islamic Lifeworld (Zist-i Islami), Paradigm of Encounter with Enemies, Wilayah (Guardianship), Ayatollah Khamenei, Ashiddā' 'alā al-Kuffār, Ruhamā' Baynahum.

ABSTRACT

The present study aims to analyze the paradigm of encounter with enemies in the thought of Martyr Ayatollah Khamenei, based on his interpretation of verse 29 of Sūrat al-Fath (Q. 48:29), employing the method of thematic analysis. The findings indicate that this paradigm transcends a mere political or security strategy and is instead framed within the broader construct of "Islamic lifeworld" (zīst-i islāmī) in the era of confrontation with the global hegemonic system. It rests upon four pillars: justice, resoluteness against the enemy (ashiddā' 'alā al-kuffār), inner compassion (ruḥamā' baynahum), and the affective bond between the ruler and the people. The concept of ashiddā' signifies firmness and impermeability vis-à-vis the global front of arrogance (istikbār), manifesting in three dimensions: ideological, security-related, and social. The concept of ruḥamā', conversely, extends beyond mere emotional sentiment and is defined as an institutionalized social obligation, encompassing national and trans-national (ummah) unity, general benevolence, and support for the oppressed. The most significant contribution of this research is its emphasis on the complementary linkage between the two pillars of "severity" (shiddat) and "mercy" (raḥmat) within the intellectual geometry of Martyr Ayatollah Khamenei. These two reinforce one another: severity toward the enemy provides the necessary security for the flourishing of internal mercy, while internal mercy and unity undergird external strength and resoluteness. The distinctive features of his perspective, in contrast to those of other scholars, lie in its system-building and civilization-oriented approach, its concrete instantiation, and its governmental application of the verse. Unlike prevailing paradigms in international relations, it subordinates power to religious values. The extracted model offers a wise, balanced, and pragmatic framework for managing confrontation with enemies in the contemporary world, which—by avoiding extremes—exhibits the lifeworld of a resilient and cohesive ummah.

Cite this article: با توجه به شیونامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. شناسه دیجیتال دی‌آی‌آی. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌آی‌آی.



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

واکاوی الگوی مواجهه با دشمنان در آیه «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» مبتنی بر دیدگاه‌های شهید آیت‌الله خامنه‌ای رحمه الله علیه

زهرا خانی زارع^۱، نعمت الله فیروزی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد مقدس، ایران.

zahra.khanizar@imamreza.ac.ir

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد مقدس، ایران (نویسنده مسئول).

firoozi@imamreza.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	پژوهش حاضر با هدف واکاوی الگوی مواجهه با دشمنان در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، مبتنی بر تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این الگو فراتر از یک راهبرد سیاسی یا امنیتی، در قالب کلان «زیست اسلامی» در عصر تقابل با نظام سلطه جهانی تعریف می‌شود که بر چهارستون عدالت، صلابت در برابر دشمن «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»، مهرورزی درونی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و ارتباط عاطفی حاکم و مردم استوار است. مفهوم «أَشْدَاءُ» به معنای قاطعیت و غیرقابل نفوذ بودن در برابر جبهه استکبار جهانی است که در سه بعد اعتقادی، امنیتی و اجتماعی تجلی می‌یابد. مفهوم «رُحَمَاءُ» نیز فراتر از احساسات عاطفی، به مثابه الزام اجتماعی نهادینه تعریف می‌شود که دامنه آن شامل وحدت ملی و امتی، مهربانی عمومی و حمایت از مظلومان است. مهم‌ترین دستاورد پژوهش، تأکید بر پیوند مکمل دو رکن «شدت» و «رحمت» در هندسه فکری شهید آیت‌الله خامنه‌ای است. این دو، یکدیگر را تقویت می‌کنند یعنی شدت در برابر دشمن، امنیت لازم برای شکوفایی رحمت درونی را فراهم می‌کند و رحمت و وحدت داخلی، پشتوانه قدرت و صلابت بیرونی است. وجوه تمایز دیدگاه ایشان با دیگر اندیشمندان، در رویکرد نظام‌ساز و تمدنی، مصداقی‌یابی عینی و کاربست حکومتی آیه تجلی پیدا می‌کند و برخلاف دیدگاه‌های حاکم بر روابط بین‌الملل، قدرت را در خدمت ارزش‌های دینی قرار می‌دهد. الگوی مستخرج، چارچوبی حکیمانه، متعادل و عمل‌گرا برای مدیریت تقابل با دشمن در جهان معاصر ارائه می‌دهد که با دوری از افراط و تفریط، زیست جهان یک امت مقاوم و منسجم را به نمایش می‌گذارد.
تاریخ دریافت:	
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها:	زیست اسلامی، الگوی مواجهه با دشمن، ولایت، آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، اشداء علی الکفار، رحماء بینهم.

استناد: با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام). (سال نشر). عنوان مقاله. نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌آی‌آی.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

جهان معاصر عرصه تقابل گفتمان‌ها و منافع متعارض است لذا نظام‌های سیاسی به صورت مستمر با چالش تدوین الگویی راهبردی برای مواجهه با تهدیدات خارجی روبه‌رو هستند. در این میان، پارادایم‌های مسلط در روابط بین‌الملل، عمدتاً برآمده از تمدن غرب و مبتنی بر مفاهیمی چون قدرت و منافع مادی هستند و از ابعاد هویتی و معنوی کنشگران غفلت دارند لکن در همین دوره، انقلاب اسلامی ایران، الگوی بدیعی از حکمرانی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی ارائه داد که در تعامل با نظام بین‌الملل رویکردی متمایز دارد. آیه شریفه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹) از جامع‌ترین آیات قرآن کریم در ترسیم این الگوست که جامعه ایمانی را با دو ویژگی مکمل «شدت بر کفار» و «رحمت بین خود» می‌ستاید و پرسش‌هایی را درباره دامنه مفهومی «کفار»، مؤلفه‌های «شدت» و قلمرو «رحمت» مطرح می‌کند. در میان اندیشمندان معاصر، شهید آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان مفسر قرآن، نظریه‌پرداز و رهبر نظام اسلامی، چهار دهه تجربه مستقیم مواجهه با دشمنان را دارد لذا دیدگاه وی تلفیقی از سه ساحت تفسیری، نظریه‌پردازی و مدیریت میدانی و عملیاتی است. انگاره محوری پژوهش آن است که با واکاوی منظومه فکری ایشان می‌توان الگویی منسجم برای مواجهه با دشمنان مبتنی بر آیه ۲۹ سوره فتح استخراج کرد. این الگو در بیانات ایشان با عنوان «زیست اسلامی» مطرح شده که دارای چهار مؤلفه عدالت، مرزبندی با دشمن (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ)، مهربانی مؤمنان با یکدیگر (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) و ارتباط عاطفی حاکم و مردم است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش درباره مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و نسبت‌سنجی این الگوست. همچنین، اهمیت پژوهش در غنابخشی به ادبیات روابط بین‌الملل اسلامی، ارائه الگویی برای پیشبرد جریان‌های مقاومت و پاسخ به شبهات پیرامون نسبت «شدت» و «رحمت» در اسلام قابل ارزیابی است.

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در سه دسته اصلی سازمان‌دهی کرد: آثاری که به تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح پرداخته‌اند؛ آثاری که اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (ره) را در باب مواجهه با دشمن بررسی کرده‌اند و آثاری که به الگوی مواجهه با دشمن در چارچوب روابط بین‌الملل اسلامی اختصاص دارند.

در دسته اول، صابغی و پاکروان (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل انتقادی رویکردهای تفسیری ذیل آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» رویکردهای تفسیری مختلف را نقد کرده و نشان داده‌اند که برخی تفاسیر، «شدت» را به معنای خشونت مطلق تفسیر کرده‌اند که با سیاق آیه سازگار نیست. یافته اصلی آنها این است که «شدت» در آیه به معنای «استحکام، صلابت و غیرقابل نفوذ بودن» است، نه خشونت. نقد این اثر آن است که هرچند در معناشناسی واژه «شدت» دقیق است، اما فاقد نظام‌مندی در ارائه مدل عملیاتی برای جامعه اسلامی است و متغیرهای محیطی مانند تقابل تمدنی با استکبار جهانی را لحاظ نکرده است. شکاف اصلی آن عدم اتصال معناشناسی به الگوی راهبردی است.

در دسته دوم، عباسی خوشکار (۱۴۰۲) در مقاله «جنگ ترکیبی دشمن و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» به تحلیل جنگ ترکیبی و راهکارهای مقابله با آن پرداخته است. یافته اصلی او نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای (ره) بر ضرورت «هوشمندسازی نیروهای مسلح» و «طراحی بازی‌های پیچیده جنگ ترکیبی» تأکید دارند. نقد این اثر آن است که صرفاً به بعد دفاعی-امنیتی پرداخته و ابعاد اعتقادی و فرهنگی-اجتماعی شدت را نادیده گرفته است؛ همچنین مبنای قرآنی الگو یعنی آیه ۲۹ سوره فتح را مورد بررسی قرار نداده است. شکاف اصلی آن عدم جامعیت در ابعاد سه‌گانه شدت و عدم اتصال به آیه ۲۹ سوره فتح است. برزویی و جمالی زواره (۱۴۰۱) در مقاله «بازشناسی مؤلفه‌های اسطوره ماندگار مقاومت اسلامی؛ شهید چمران و شهید قاسم

سلیمانی از کلام مقام معظم رهبری» به تحلیل مؤلفه‌های مقاومت در کلام رهبری پرداخته‌اند. یافته اصلی آنها نشان می‌دهد که «اشدء علی الکفار» و «رحماء بینهم» دو مؤلفه مشترک در شخصیت شهید چمران و شهید سلیمانی است. نقد این اثر آن است که بر شخصیت‌های تاریخی متمرکز است و نه بر الگوی نظام‌مند مواجهه با دشمن؛ همچنین مدل عملیاتی برای حکمرانی ارائه نمی‌دهد. شکاف اصلی آن عدم ارائه الگوی راهبردی در سطح کلان است.

در دسته سوم، حقی احمدی و رضوی (۱۴۰۳) در مقاله «دشمن‌شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه» به بررسی شیوه‌های تعامل با دشمن پرداخته‌اند. یافته اصلی آنها نشان می‌دهد که در فقه امامیه، هرگونه ارتباط با دشمن مستکبر نهی شده و مذاکره تنها با حفظ عزت مسلمانان مجاز است. نقد این اثر نیز مانند مورد قبل، عدم توجه به متغیرهای محیطی مانند تحولات نظام بین‌الملل و فقدان ارائه الگوی راهبردی برای مواجهه با دشمن در شرایط کنونی است. شکاف اصلی آن عدم ارائه الگوی عملیاتی در سطح کلان و عدم اتصال به آیه ۲۹ سوره فتح است.

آنچه اساس تمایز پژوهش حاضر با پیشین آثار را تشکیل می‌دهد، پنج محور است: نخست، تمرکز هم‌زمان بر آیه ۲۹ سوره فتح و اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره)؛ دوم، ارائه الگوی راهبردی مبتنی بر اندیشه ایشان که برخلاف آثار پیشین، صرفاً به تفسیر آیه یا بررسی اندیشه ایشان نپرداخته، بلکه پیوند این دو را به هم می‌زند؛ سوم، توجه به متغیرهای محیطی مانند تقابل تمدنی با استکبار جهانی، جنگ ترکیبی، جنگ شناختی و نفوذ فرهنگی؛ چهارم، تحلیل جامعیت دو مؤلفه «شدت» و «رحمت» در چارچوب «ولایت» و نسبت‌سنجی دقیق این دو؛ و پنجم، بازتعریف آیه به مثابه «الگویی برای زیست اسلامی» و کاربست حکومتی و نظام‌ساز آن، برخلاف تفاسیر کلاسیک که آیه را در سطح فردی و اخلاقی تفسیر می‌کنند.

۲. چارچوب نظری و روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف پرکردن خلأ پژوهشی در زمینه الگوی مواجهه با دشمن، با تمرکز بر آیه ۲۹ سوره فتح و چارچوب «زیست اسلامی» در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل نظام‌مند مؤلفه‌ها، ابعاد و نسبت «شدت» و «رحمت» پرداخته است. در این روش، ابتدا مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی از بیانات و آثار شهید آیت‌الله خامنه‌ای استخراج و توصیف شده، سپس به تحلیل محتوایی و مفهومی آنها پرداخته می‌شود. نوآوری پژوهش در چهار محور قابل جمع‌بندی است: تمرکز ویژه بر آیه ۲۹ سوره فتح، واکاوی منظومه فکری شهید آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان مفسر و نظریه‌پرداز دارای تجربه عملی مواجهه با دشمن، تحلیل نسبت تعاملی «شدت» و «رحمت» در یک الگوی منسجم و تبیین جایگاه این دو مؤلفه در چارچوب کلان «زیست اسلامی» با چهار رکن عدالت، مرزبندی با دشمن، مهربانی درونی و ارتباط عاطفی حاکم و مردم. چارچوب نظری پژوهش بر دو رکن اساسی «تفسیر آیه محوری» و «نظریه‌پردازی شهید آیت‌الله خامنه‌ای» استوار است. بر اساس منظومه فکری شهید آیت‌الله خامنه‌ای، «جهان‌بینی توحیدی» و نگاه به تاریخ به مثابه «عرصه تقابل حق و باطل»، مبانی کلامی الگو را تشکیل می‌دهد و استکبار جهانی به عنوان جبهه باطل تعریف می‌شود. مفهوم «ولایت» نیز نقطه پیوند «شدت» و «رحمت» است؛ یعنی جامعه متصل به ولایت، هم در درون متحد و مهربان (رحماء بینهم) و هم در برابر دشمن نفوذناپذیر (اشدء علی الکفار) است. جامعه آماری این پژوهش، مجموعه بیانات، پیام‌ها و درس‌های خارج فقه شهید آیت‌الله خامنه‌ای در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ است. انتخاب این بازه زمانی بر اساس سه دلیل علمی صورت گرفته است: نخست، این بازه با اوج‌گیری تقابل تمدنی جمهوری اسلامی ایران با استکبار جهانی و تشدید جنگ ترکیبی، نفوذ فرهنگی و جنگ شناختی دشمنان هم‌زمان است؛ لذا بیانات رهبری در این دوره به طور ویژه بر الگوی مواجهه با دشمن متمرکز شده است. دوم، در این بازه، مفاهیمی مانند «زیست اسلامی»، «جهاد تبیین»، «جنگ ترکیبی» و «نفوذ» به صورت مکرر در بیانات ایشان مطرح شده که مستقیماً با موضوع مقاله مرتبط است. سوم، پیش از سال ۱۳۹۰،

بیانات رهبری بیشتر بر مبنای کلی انقلاب و نظام متمرکز بود و کمتر به صورت نظام‌مند به الگوی مواجهه با دشمن در چارچوب آیه ۲۹ سوره فتح پرداخته شده است. با توجه به حجم گسترده داده‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شده است. بدین منظور، ابتدا کلیدواژه‌های اصلی پژوهش شامل «أشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»، «رحماء بینهم»، «زیست اسلامی»، «نفوذ»، «جنگ ترکیبی»، «جهاد تبیین»، «مرزبندی با دشمن»، «وحدت کلمه» و «ولایت» در پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری (www.khamenei.ir) جستجو شد. سپس از میان انبوه بیانات یافت‌شده، مواردی انتخاب گردید که به طور مستقیم به تفسیر یا کاربرست آیه ۲۹ سوره فتح اشاره داشتند، به تبیین مؤلفه‌های «شدت» و «رحمت» در اندیشه ایشان پرداخته بودند و به تحلیل شرایط محیطی (جنگ نرم، نفوذ، تقابل تمدنی) مرتبط با الگوی مواجهه با دشمن اختصاص داشتند.

۳. واکاوی دیدگاه‌های اندیشمندان و مفسران

آیه ۲۹ سوره فتح، به عنوان یکی از جامع‌ترین آیات قرآن در ترسیم ویژگی‌های جامعه ایمانی، همواره مورد توجه مفسران فریقین بوده است. این آیه که پس از بیعت رضوان در حدیبیه و در وصف اصحاب پیامبر اکرم (ص) نازل شد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج. ۶، ص. ۸۲)، تصویری کامل از هویت و سیمای مؤمنان راستین ارائه می‌دهد لذا به بررسی ابعاد آن پرداخته می‌شود.

الف) تحلیل مفهومی «أشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»: تحلیل ریشه‌شناختی واژگان قرآنی، نخستین گام برای دستیابی به فهمی عمیق از مفاهیم بنیادین آن است. واژه «أشْدَاءُ» که در آیه ۲۹ سوره فتح در وصف یاران پیامبر اکرم (ص) به کار رفته، جمع «شَدید» و برگرفته از ریشه «ش د د» است. لغت‌شناسان برجسته، معنای محوری این ریشه را «قوت، استحکام و صلابت» در برابر ضعف و سستی دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج. ۳، ص. ۱۷۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۲۳۷). این معنای بنیادین، در شاخه‌های مختلف معنایی این ریشه جریان داشته و مفاهیم متنوعی را در حوزه‌های گوناگون پدید آورده است؛ از معنای فیزیکی و عینی مانند «محکم بستن» (شَدَّ) و «تقویت کردن» (شَدَّدَ) (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۳، ص. ۷۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۲۳۲) تا مفاهیم حرکتی مانند «حمله بردن» (شَدَّ) (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج. ۶، ص. ۲۱۳) و مفاهیم انتزاعی مانند «سختی» (شَدَّة) (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۲۳۲) که همگی بر نوعی از قدرت و تمرکز دلالت دارند.

با توجه به این بنیاد معنایی، می‌توان دریافت که واژه «أشْدَاءُ» در کاربرد قرآنی، صرفاً به معنای خشونت یا رفتار خشن نیست، بلکه بیانگر استحکام، صلابت و قاطعیت در موضع‌گیری و رفتار در برابر جبهه مخالف است. راغب اصفهانی در مفردات، «شدت» را به دو قسم فیزیکی و معنوی تقسیم کرده و آن را در مقابل «لین» (نرمی) قرار می‌دهد که مؤید همین برداشت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۴۵۲). از سوی دیگر، وجود واژه «أشْد» در قرآن که به مرحله اوج قوت جسمانی و عقلی انسان اطلاق می‌شود، نشان می‌دهد که این ریشه بر کمال و تمامیت یک قوت نیز دلالت دارد. بنابراین، کاربرد «أشْدَاءُ» برای مؤمنان، بیانگر آن است که آنان در مواجهه با دشمن، از موضعی مستحکم و قاطع، همراه با صلابت و نفوذناپذیری، و نه صرفاً از سر خشم یا خشونت، وارد می‌شوند. در مجموع، مفهوم‌شناسی ریشه «شد» و مشتقات آن، شبکه‌ای از معانی را ترسیم می‌کند که محور اصلی آنها «قوت، استحکام، و تمرکز» است. این تحلیل زبانی، مقدمه‌ای ضروری برای فهم دقیق صفت «أشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است؛ صفتی که در اندیشه مفسران و اندیشمندانی همچون شهید آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان یکی از ارکان اصلی زیست‌اسلامی و الگوی مواجهه با دشمن، به معنای «سخت بودن، محکم بودن و غیرقابل نفوذ بودن» در برابر بدخواهان تفسیر شده است.

^۱. Purposive Sampling.

مفسران در تحلیل مفهوم «أَشَدُّ عَلَى الْكُفَّارِ»، بر جنبه عملی و رفتاری این شدت تأکید دارند. علامه طباطبائی، این شدت را ناظر به موضع‌گیری عملی در برابر دشمنان می‌داند (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج. ۱۸، ص. ۲۹۹). از سوی، طبرسی از قول حسن بصری نقل می‌کند که این شدت تا بدانجا بود که اصحاب حتی از تماس با ثیاب و ابدان مشرکان احتراز می‌کردند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج. ۹، ص. ۱۹۲). زمخشری نیز با تعبیر «یتحرزون من ثیابهم أن تلزق بثیابهم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۴، ص. ۳۴۶)، بر جنبه عملی مرزبندی با دشمن تأکید می‌ورزد. فخر رازی با نگاهی تحلیلی‌تر، به این نکته اشاره می‌کند که وصف شدت بر کفار، هم درباره مؤمنان عادی و هم در ارتباط با پیامبر اکرم (ص) مصداق دارد. وی به آیه «ذَلَّلَهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةً عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده/۵۴) در مورد مؤمنان و آیات «وَأَغْلَظْ عَلَيْهِمْ» (توبه/۷۳) و «بِالْمُؤْمِنِينَ رُؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸) در مورد پیامبر (ص) استناد می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج. ۲۸، ص. ۸۸). این نگاه جامع، نشان می‌دهد که شدت بر کفار، یک اصل فراگیر در سطوح مختلف جامعه ایمانی است.

ب) تحلیل مفهومی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»: واژه «رُحَمَاءُ» جمع «رحیم» به معنای مهربان و دلسوز است. ریشه «رحم» بر رقت قلب و عطف دلالیت دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج. ۲، ص. ۴۹۸) لذا «رحمت» را به معنای رقت قلبی می‌دانند که اقتضای احسان و نیکی دارد. برخی نیز معنای اصلی این ریشه را «انعطاف و احسان» دانسته‌اند. «رحمت» در مورد بنی آدم به معنای نرم‌دلی و سپس عطف است (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۶، ص. ۶۸) و در مورد خداوند متعال به معنای عطف، نیکی، روزی و احسان اوست (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۲، ص. ۲۳۰). دو صفت مهم «الرَّحْمَنُ» و «الرَّحِيمُ» از همین ریشه مشتق شده‌اند. «الرَّحْمَنُ» صفتی است اختصاصی خداوند و به کس دیگر اطلاق نمی‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۶، ص. ۶۸) لذا این صفت بر وزن «فَعْلَان» برای مبالغه و بیان کثرت است و به معنای «دارنده رحمتی است که همه چیز را فراگرفته است». در مقابل، «الرَّحِيمُ» صفتی است که می‌تواند برای غیر خدا نیز به کار رود و بر «عظیم‌الرحمه بودن» دلالت دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۲، ص. ۲۳۰).

مفهوم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» از ابعاد مختلف مورد تفسیر و بررسی قرار گرفته است. در تفسیر نورالقلین، بر اساس روایتی از امام صادق (ع)، بر «الاجتهاد فی التواصل» (کوشش در پیوند)، «التعاون علی التعاطف» (همکاری بر مهرورزی) و «المواساة لأهل الحاجة» (همدلی با نیازمندان) به عنوان مصادیق این رحمت تأکید شده است (جویزی، ۱۴۱۵، ج. ۵، ص. ۷۶). زمخشری نیز با استناد به حدیث نبوی «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد الواحد»، رحمت متقابل را به هماهنگی اعضای یک پیکر تشبیه می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج. ۴، ص. ۳۴۶). مفسران معاصر نیز به این مفهوم توجه ویژه‌ای داشته‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را نشانه همبستگی و عواطف انسانی در جامعه اسلامی می‌داند که موجب استحکام پیوندهای اجتماعی و مقاومت در برابر تهدیدات بیرونی می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۲۲، ص. ۱۱۳).

ج) نسبت سنجی «شدت» و «رحمت» در تفاسیر: یکی از مهم‌ترین نکات تفسیری، چگونگی جمع میان دو صفت به ظاهر متضاد «شدت» و «رحمت» است. این مسئله از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و کوشیده‌اند چگونگی جمع این دو ویژگی را در جامعه ایمانی تبیین کنند. علامه طباطبائی ذکر «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بلافاصله پس از «أَشَدُّ عَلَى الْكُفَّارِ» را برای دفع توهّم سرایت شدت به درون جامعه ایمانی می‌داند (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج. ۱۸، ص. ۲۹۹). به عبارت دیگر، اگر تنها «أَشَدُّ عَلَى الْكُفَّارِ» ذکر می‌شد، این توهّم پیش می‌آمد که شدت به صورت خصلتی دائمی درآمده و به روابط داخلی نیز سرایت کند، اما ذکر «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» این توهّم را دفع می‌کند. این نگاه، تمایز میان جبهه دشمن و جبهه خودی را به عنوان یک اصل راهبردی تأکید می‌کند.

برخی دیگر، این نکته را تحت عنوان «تکمیل و احتراز» تبیین کرده و بر این باورند که هم شدت در برابر دشمن را تأکید می‌کند و هم با ذکر بلافصل رحمت درونی، از تفسیر نادرست آن جلوگیری می‌نماید (قاسمی، ۱۴۱۸، ج. ۸، ص. ۵۰۹). این تحلیل، عمق نگاه قرآنی را در حفظ تعادل میان اقتدار بیرونی و مهربانی درونی نشان می‌دهد. آیت‌الله مکارم شیرازی با دو واژه «مهر و قهر» تأکید می‌کند که «در حقیقت عواطف آنها در این مهر و قهر خلاصه می‌شود لذا نه جمع میان این دو در وجود آنها تضادی

دارد، و نه قهر آنها در برابر دشمن و مهر آنها در برابر دوست سبب می‌شود که از جاده حق و عدالت قدمی بیرون نهند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۲۲، ص. ۱۱۳) لذا این دو صفت نه تنها تضادی ندارند بلکه در وجود مؤمنان راستین مکمل یکدیگرند.

۴. الگوی مواجهه با دشمن در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره)

مفهوم «زیست اسلامی» از جمله مفاهیم محوری در منظومه فکری شهید آیت‌الله خامنه‌ای است که برای تبیین الگوی زندگی اجتماعی مسلمانان بر اساس آموزه‌های دینی به کار گرفته شده است. در نگاه ایشان، زیست اسلامی تمام عرصه‌های حیات بشری را در بر می‌گیرد و فراتر از یک سبک زندگی فردی، یک «تمدن‌سازی» است. چنان که تأکید می‌کند: «تلاش و مبارزه‌ای که ائمه ما علیهم‌السلام در طول زندگی دویست و پنجاه ساله برای حاکمیت اسلام می‌کردند... همه برای این است که امامت متکی بشود به حاکمیت سیاسی، و این منتهی بشود به اینکه زیست اسلامی در جامعه گسترش پیدا کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۰۴/۰۵). این مفهوم، برنامه‌ای عملی برای سامان‌دهی حیات فردی و اجتماعی بر اساس جهان‌بینی توحیدی است که خطوط اصلی آن را با استناد به آیات قرآن چنین ترسیم می‌کنند:

نخست، عدالت (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ): این مؤلفه به آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید/۲۵) مستند شده است. از نگاه ایشان، هدف بعثت انبیاء و نزول کتاب و میزان، قیام مردم به قسط و عدالت بوده است. این عدالت، هم در ساختارهای سیاسی و هم در روابط اجتماعی و اقتصادی باید جریان یابد.

دوم، مرزبندی با دشمن (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ): این مؤلفه با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح مطرح می‌شود و تأکید می‌کند که این مرزبندی به معنای «سخت بودن، محکم بودن و غیرقابل نفوذ بودن در مقابل بدخواهان» است. **سوم، مهربانی مؤمنان با یکدیگر (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ):** این مؤلفه نیز از همان آیه سوره فتح استخراج شده است و مهربانی در آن، شامل «وفاق و وحدت کلمه»، «خوش بینی متقابل» و «تحمل یکدیگر» در عین حفظ تنوع سلیقه‌هاست.

چهارم، ارتباط عاطفی حاکم و مردم: این بخش خود دو بعد دارد: از سوی حاکم، «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» (توبه/ ۱۲۸) است که حاکم جامعه رنج مردم را با تمام وجود خود درک می‌کند و سختی آنان برایش گران است. از سوی مردم، «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) است و مردم با حاکم اسلامی همراهی، اطاعت و کمک می‌کنند. ایشان در تبیین این چهار مؤلفه تأکید می‌کنند که «از هر کدام از اینها غفلت نکنیم و زمین بماند، نقصی در الگوی زیست اسلامی به وجود می‌آید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۰۴/۰۵) لذا آیه ۲۹ سوره فتح از منظر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، دو مؤلفه از چهار مؤلفه اصلی زیست اسلامی (مرزبندی با دشمن و مهربانی مؤمنان با یکدیگر) را تأمین می‌کند.

الف) تبیین ابعاد «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»

شهید آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مفهوم «أَشِدَّاءُ» تصریح می‌کنند «أَشِدَّاءُ به این معنا که ما در فارسی به آن شدت عمل می‌گوییم، نیست؛ أَشِدَّاءُ یعنی سخت بودن، محکم بودن، غیرقابل نفوذ بودن؛ این معنای أَشِدَّاءُ است. لذا أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ یعنی نگذارید در جامعه‌ی شما نفوذ پیدا کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹). این تعریف، «غیرقابل نفوذ بودن» را به عنوان کلیدواژه اصلی معرفی می‌کند لذا نفوذ را یکی از ضربه‌های بزرگ جوامع بشری معرفی می‌کند و تأکید دارند که این آیه راهکار مقابله با آن را ارائه داده است مرزبندی با دشمن در این دیدگاه به معنای ایجاد دیواری مستحکم در برابر نفوذ فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بدخواهان

بعد فرهنگی-اجتماعی: سومین بعد شدت، ناظر بر مصون‌سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی دشمن، تقویت هویت اسلامی-انقلابی و ایجاد جبهه فرهنگی مقاومت در برابر جنگ نرم است. در نگاه ایشان، عرصه فرهنگ به دلیل تأثیرگذاری عمیق بر باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی مردم، مهم‌ترین میدان رویارویی با دشمن به شمار می‌آید. شهید آیت‌الله خامنه‌ای نفوذ فرهنگی را یکی از مهم‌ترین ابزارهای دشمن برای سلطه بر جوامع اسلامی معرفی می‌کند: «دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌ها است. اگر مغز یک ملت را توانستند تصرف کنند، آن ملت سرزمین خودش را دودستی به دشمن تقدیم می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۹/۰۵).

شهید آیت‌الله خامنه‌ای با تحلیل دقیق از ابزارها و تاکتیک‌های دشمن در عرصه فرهنگی، ابعاد مختلف آن را تبیین می‌کنند: بزرگ‌نمایی فرهنگ بیگانه و تحقیر فرهنگ خودی، ایجاد شبهه و ابهام‌افکنی، استفاده از ابزارهای ارتباطی مدرن (رسانه‌ها، ماهواره‌ها و فضای مجازی) و نفوذ از طریق مراکز علمی و دانشگاهی. مهم‌ترین راهبرد ایشان برای مقابله با جنگ نرم، «جهاد تبیین» است. ایشان این راهبرد را به عنوان فریضه‌ای قطعی و فوری برای خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن معرفی می‌کنند: «شما جوانان عزیز و دانشجویان عزیز... به مسئله تبیین اهمیت بدهید. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان... حرکت تبیین خنثی‌کننده این توطئه دشمن است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ص. ۳۸۸). ایشان جهاد تبیین را برگرفته از کلام امیرالمؤمنین (ع) می‌دانند: «امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف خودشان... از جمله چیزهایی که می‌فرمایند این است: «وَاللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْجِهَادُ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ خدا را خدا را درباره جهاد با اموال و جان‌ها و زبان‌های خویش در راه خدا» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)» (همان، ۱۴۰۲، ص. ۳۹).

ممکن است این ابهام پیش آید که جهاد تبیین به عنوان یک فعالیت فرهنگی و روشنگرانه، خطاب به عموم مردم است، نه به کفار معاند بنابراین چگونه می‌توان آن را مصداق اُشْدَاءِ عَلَى الْكُفَّار دانست؟ در پاسخ باید گفت که شدت در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، به معنای برخورد فیزیکی یا خشونت صرف نیست بلکه مقاومت فعال و هوشمندانه در برابر جنگ نرم دشمن است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱). در جنگ نرم، دشمن با تغییر باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی به دنبال استحاله فرهنگی جامعه اسلامی است. در این چارچوب، جهاد تبیین یک عمل دفاعی است که هدف آن خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن و افشای جنگ شناختی اوست. بنابراین، شدت در این بعد، به معنای قاطعیت در روشنگری، عدم سازش با دشمن در عرصه فرهنگی و مقاومت در برابر نفوذ است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹). این نوع شدت، با رحمت درونی تضاد ندارد و مکمل آن است زیرا جامعه‌ای که در برابر نفوذ فرهنگی دشمن مقاوم باشد، می‌تواند هویت اسلامی خود را حفظ کرده و رحمت درونی را در چارچوب آن هویت معنا کند. به عبارت دیگر، جهاد تبیین شدت بیرونی را به حفاظت از رحمت درونی تبدیل می‌کند. این تحلیل نشان می‌دهد که در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، شدت و رحمت دو روی یک سکه هستند: شدت در برابر دشمن، مقدمه‌ای برای حفظ رحمت در درون جامعه اسلامی است. اگر جامعه اسلامی در برابر نفوذ فرهنگی دشمن مقاوم نباشد، رحمت درونی نیز در معرض استحاله و تجزیه قرار می‌گیرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۰۹/۰۵). بنابراین، جهاد تبیین یک راهبرد امنیتی برای حفظ هویت اسلامی و انسجام درونی جامعه است.

همچنین بر لزوم خروج از موضع انفعالی و اتخاذ آرایش تهاجمی تأکید می‌کنند: «در جنگ نرم هیچ وقت عکس‌العملی عمل نکنید. البته پاسخ دشمن را باید داد اما بهتر از عکس‌العملی عمل کردن و واکنشی عمل کردن، عمل کردن کُنشی و ابتکاری است. یک قدم همیشه از دشمن خودتان جلوتر باشید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۹/۰۶).

ابعاد سه‌گانه شدت در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای یک سیستم منسجم را تشکیل می‌دهند. بعد اعتقادی، بنیاد و شالوده را می‌سازد؛ بعد دفاعی-امنیتی، صیانت از کیان مادی و امنیت فیزیکی جامعه را بر عهده دارد؛ و بعد فرهنگی-اجتماعی، از هویت و باورهای جامعه در برابر تهاجم نرم دشمن محافظت می‌کند. این سه بعد در تعامل با یکدیگر، مفهوم «شدت» را به مثابه یک ویژگی جامع و چندلایه برای جامعه ایمانی در مواجهه با دشمنان معاند و متخاصم معنا می‌بخشند.

ب) تبیین ابعاد «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»

مفهوم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» دومین مؤلفه کلیدی آیه ۲۹ سوره فتح است که در توصیف یاران پیامبر اکرم(ص) در کنار «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» قرار گرفته است. در اندیشه ایشان، «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» فراتر از یک حس عاطفی است و به مثابه یک الزام اجتماعی نهادینه و فعال تعریف می‌شود که دامنه آن شامل وحدت ملی و امتی، خدمت‌رسانی، مهربانی عمومی، تحقق عدالت و حمایت از ملت‌های مظلوم است. شهید آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مفهوم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، آن را به «مهربانی مؤمنین و مردم با یکدیگر» تفسیر می‌کند(خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۰۴/۰۵). همچنین به «وفاق و وحدت کلمه»، «خوش‌بینی نسبت به همدیگر» و «تحمل یکدیگر» معنا می‌کند(خامنه‌ای، ۱۳۹۷ الف، ص. ۹۶؛ ۱۳۹۸ الف، ص. ۱۰۴؛ ۱۳۹۸ ب، ص. ۱۸۰). البته این مفهوم در تقابل با «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» معنا نمی‌یابد بلکه مکمل آن است. جامعه اسلامی در درون سرشار از رحمت و مهرورزی است و در برابر دشمن، سخت و نفوذناپذیر. این دو ویژگی نه تنها با یکدیگر تضاد ندارند، بلکه یکدیگر را تقویت می‌کنند. این مهربانی شامل همه مؤمنان می‌شود و اختصاص به گروه یا قشر خاصی ندارد.

یکی از ابعاد مهم دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، گستره وسیع شمول «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است که برخلاف برخی برداشت‌های محدود، دامنه‌ای فراتر از مسلمانان را نیز در بر می‌گیرد. این نگاه، هرگونه تبعیض و گروه‌گرایی را در جامعه اسلامی نفی می‌کند. **شمول نسبت به همه مؤمنان(شیعه و سنی):** از منظر ایشان، «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» همه مؤمنان را در بر می‌گیرد، بدون توجه به تفاوت‌های مذهبی، قومی و زبانی. ایشان به ویژه بر مهربانی میان شیعه و سنی تأکید کرده و توطئه دشمنان برای ایجاد تفرقه میان این دو گروه را افشا می‌کنند: «بدانید آن کسانی که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، نه شیعه را دوست دارند و نه سنی را؛ با اصل اسلام دشمن اند. «رحماء بینهم»؛ یعنی برادران مسلمان بین خود رحیم و مهربان باشند»(خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶).

شمول نسبت به پیروان ادیان الهی: نکته مهم و حائز اهمیت در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای آن است که دامنه این رحمت را تا پیروان ادیان الهی در جامعه اسلامی نیز گسترش می‌دهند: «حتی کسانی که در این کشور متدین به اسلام نیستند - پیروان اقلیت‌های دینی، مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان؛ پیروان ادیان الهی - آنها هم افتخار می‌کنند که همه آحاد ملت، در زیر سایه این نظام اسلامی و الهی، برادروار و با محبت، با یکدیگر زندگی می‌کنند»(خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص. ۴۹۸). این بیان مهم نشان می‌دهد که «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه در یک جامعه اسلامی، همه حتی غیرمسلمانان در سایه رحمت متقابل زندگی می‌کنند و این مهربانی، حقوق شهروندی آنان را نیز در بر می‌گیرد. این نگاه، مبتنی بر کرامت ذاتی انسان‌ها و عدالت اسلامی است که در سیره امیرالمؤمنین(ع) نیز تجلی یافته است.

از سوی دیگر، برای تحقق عملی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در جامعه اسلامی، یکی از مهم‌ترین لوازم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را وحدت کلمه می‌دانند و در این باره تصریح می‌کنند: «برای این که ما بنیان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را مستحکم کنیم، پیش‌نیاز اولی قطعی ما، ایجاد وفاق و وحدت کلمه است. برای وفاق باید همه تلاش کنند. معنای وفاق این نیست که گروه‌ها و تشکیلات و جناح‌های گوناگون اعلام انحلال کنند؛ نه، هیچ لزومی ندارد. معنای وفاق این است که نسبت به هم خوشبین باشند؛ «رحماء

بینهم» باشند؛ همدیگر را تحمّل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهّم کردن بپرهیزند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ الف، ص. ۹۶؛ ۱۳۹۸ ب، ص. ۱۸۰). لذا وحدت کلمه یک «پیش‌نیاز قطعی» برای استحکام بنیان‌های کشور است ولی به معنای نفی تکرر و تنوع نیست و گروه‌ها و جناح‌های مختلف می‌توانند با سلیقه‌های گوناگون وجود داشته باشند.

در مجموع، تبیین مفهوم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که یک اصل راهبردی برای استحکام درونی جامعه اسلامی و زمینه‌ساز مقاومت در برابر دشمنان است. این رحمت، دارای دامنه‌ای گسترده (از همه مؤمنان تا پیروان ادیان الهی) و لوازم عملی مشخص (وحدت کلمه، پرهیز از تفرقه و بداخلاقی، جذب حداکثری) است. بدون تحقق این رحمت درونی، مرزبندی با دشمن نیز ناکارآمد خواهد بود و جامعه اسلامی در برابر تهدیدات بیرونی آسیب‌پذیر می‌گردد.

ج) نسبت سنجی «شدت» و «رحمت»

تبیین نسبت میان «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» از مهم‌ترین بخش‌های تحلیل آیه ۲۹ سوره فتح در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای است. ایشان این دو ویژگی را نه دو صفت مجزا و مستقل، بلکه دو عنصر جدایی‌ناپذیر جامعه اسلامی می‌دانند که در چارچوب «ولایت» و «توحید» معنا می‌یابند. در اندیشه ایشان، شدت و رحمت در یک رابطه مکمل، یکدیگر را تقویت می‌کنند و نقطه پیوند آنها «ولایت» است. این تحلیل، یکی از عمیق‌ترین و دقیق‌ترین بخش‌های دیدگاه ایشان را تشکیل می‌دهد. ایشان می‌فرمایند: «ولایت، یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه‌ی اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه‌ی اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه - یعنی ولیّ - متصل است. لازمه‌ی همین ارتباط و اتصال است که جامعه‌ی اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضه می‌نماید. یعنی «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» رحماء بینهم»، لازمه ولایت و توحید جامعه‌ی اسلامی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹). این بیان چند نکته اساسی را روشن می‌سازد:

نخست، ولایت به مثابه «محور و مرکز» جامعه اسلامی، همه اجزا را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این پیوند درونی، همان «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است. جامعه ولایی، جامعه‌ای است که اجزای آن به هم متصل و با یکدیگر مهربان‌اند. دوم، همین پیوند درونی، اقتضای آن را دارد که جامعه در برابر اجزای متخاصم بیرونی، موضع دفع و معارضه اتخاذ کند. این همان «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است. هرچه اتصال درونی قوی‌تر باشد، دفع بیرونی نیز قدرتمندتر خواهد بود. سوم، بنابراین، هر دو ویژگی از یک حقیقت واحد (ولایت) نشأت می‌گیرند و جدایی‌ناپذیرند. جامعه‌ای که به ولایت الهی متصل است، هم در درون متحد و مهربان است و هم در برابر دشمن نفوذناپذیر و سخت.

مکانیسم ولایت در تولید شدت و رحمت: از منظر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، «ولایت» صرفاً یک مفهوم سیاسی یا فقهی نیست، بلکه یک اصل وجودی و هستی‌شناختی است که در جامعه اسلامی جریان می‌یابد. مکانیسم این فرآیند را می‌توان در سه مرحله تبیین کرد: ۱. **ولایت به عنوان محور اتصال (مرکزیت):** ولایت، نقطه اتصال همه اجزای جامعه اسلامی به یکدیگر و به منبع الهی است. این اتصال، یک «هویت جمعی» (ایجاد می‌کند که مرزهای «ما» و «آنها» را مشخص می‌سازد. هرچه این اتصال قوی‌تر باشد، هویت جمعی منسجم‌تر و مرزهای آن شفاف‌تر خواهد بود. ۲. **ولایت به عنوان منبع امنیت وجودی:** جامعه‌ای که به ولایت متصل است، از یک «امنیت وجودی» برخوردار می‌شود. این امنیت، ناشی از احساس تعلق به یک حقیقت برتر و یک هدف متعالی است. این امنیت درونی، زمینه‌ساز رحمت درونی (رحماء بینهم) می‌شود، زیرا اعضای جامعه به جای رقابت

و تخصص، به همکاری و همدلی می‌پردازند. ۳. **ولایت به عنوان منبع قدرت بازدارنده:** همین اتصال به منبع الهی، به جامعه اسلامی یک «قدرت بازدارنده» در برابر دشمنان می‌بخشد. این قدرت، نه از سر خشم یا خشونت، بلکه از سر استحکام و نفوذناپذیری (أشداء) نشأت می‌گیرد. جامعه‌ای که به ولایت متصل است، در برابر نفوذ دشمن مقاوم است، زیرا هویت و مرزهای آن روشن است. بنابراین، ولایت هم‌زمان منبع رحمت درونی و شدت بیرونی است. این دو، نه دو صفت متضاد، بلکه دو جلوه از یک حقیقت واحد هستند: «قدرت درون‌زای جامعه اسلامی» که از اتصال به ولایت الهی نشأت می‌گیرد.

رابطه علی و مکملی: از منظر شهید آیت‌الله خامنه‌ای، شدت در برابر دشمن و رحمت در میان مؤمنان، رابطه‌ای علی و معلولی با یکدیگر دارند. این رابطه در دو جهت قابل تحلیل است:

تقویت رحمت درونی، زمینه‌ساز شدت بیرونی: هر چه جامعه اسلامی در درون خود منسجم‌تر و متحدتر باشد، در برابر دشمنان قدرتمندتر و نفوذناپذیرتر خواهد بود. اتحاد درونی، شرط لازم برای مقاومت بیرونی است. ایشان با استناد به کلام امیرالمؤمنین (ع) تأکید می‌کنند که شکست مؤمنان در صورت یاری نکردن یکدیگر حتمی است: «یک نکته مهم دیگر این است که باید با یکدیگر متحد و مهربان باشیم، اگر مسلمانان با هم متحد باشند، دشمن نمی‌تواند به آنها آسیب بزند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «غُلِبَ وَ اللَّهُ الْمُتَخَذِلُونَ؛ به خدا سوگند، شکست برای کسانی است که دست از یاری یکدیگر می‌کشند» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۹/۰۲)

مرزبندی با دشمن، تقویت‌کننده وحدت درونی: از سوی دیگر، وجود دشمن مشترک و مرزبندی با او، خود به عاملی برای تقویت همبستگی درونی تبدیل می‌شود. تعبیر «لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» (فتح/۲۹) به همین نکته اشاره دارد که رشد و استحکام جامعه اسلامی، باعث خشم و ناکامی کافران می‌شود. ایشان بر این باورند که مرزبندی قاطع با دشمنان خارجی، شرط لازم برای تحقق مهربانی و همدلی در درون جامعه اسلامی است لذا با اشاره به آیه شریفه «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال/۶۰) تأکید می‌کنند که ایجاد رعب در دل دشمن، زمینه‌ساز امنیت و آرامش داخلی است: «بایست حضور شما، وضعیّت شما، حرکت شما جوری باشد که دشمن را دچار رعب کند. دشمن متجاوز بالطبع است؛ طبیعت جهان‌خواران تجاوز است، جلو آمدن است، تصرف است، پنجه انداختن است، طبیعت اینها است؛ اگر خاک‌ریز شما قابل نفوذ باشد، نفوذ می‌کند؛ باید جوری حرکت کنید که او احساس کند نمی‌تواند نفوذ کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ الف، ص. ۱۹۱). این نکات نشان می‌دهد که این دو مؤلفه، اجزای یک سیستم منسجم هستند و غفلت از هر یک، کل سیستم را دچار نقصان می‌کند. تقویت هر یک، دیگری را نیز تقویت می‌کند و تضعیف هر یک، دیگری را نیز تضعیف می‌نماید.

(د) آسیب‌شناسی واژگونی الگو (أشداء بینهم و رحماء مع الکفار)

یکی از مهم‌ترین محورهای تحلیل شهید آیت‌الله خامنه‌ای درباره نسبت شدت و رحمت، آسیب‌شناسی وضعیتی است که این دو مؤلفه جابه‌جا شوند یا یکی فدای دیگری گردد. ایشان با نگرانی از وضعیت جهان اسلام، به پدیده «واژگونی الگو» اشاره می‌کنند: «کسانی در دنیای اسلام این‌جور برخلاف مصالح اسلام عمل می‌کنند و برخلاف نص صریح قرآن «أشداء بینهم و رحماء علی الکفار» هستند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ ب، ص. ۵۸۱). این واژگونی به این معناست که مسلمانان در برابر یکدیگر سختگیر و خشن می‌شوند و در برابر کفار (به ویژه دشمنان قسم‌خورده اسلام) نرمش و مهربانی نشان می‌دهند. نتیجه این وضعیت، جنگ‌های داخلی و سلطه دشمن بر جوامع اسلامی است.

شهید آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات متعدد، مصادیق این واژگونی را در جهان امروز اسلام به تصویر می‌کشند: «ببینید! موارد عمل نکردن به قرآن در بین ما امت اسلامی یکی دو مورد نیست و گرفتاری‌های ما هم ناشی از همین‌ها است. مثلاً فرض بفرمایید قرآن درباره‌ی پیروان پیغمبر می‌فرماید: أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... بعضی از ما «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش می‌کنیم، می‌گذاریم کنار. مثل چه کسانی؟ مثل همین‌هایی که در کشورهای اسلامی با آمریکا ساختند، با صهیونیست‌ها ساختند، خون فلسطینی‌ها را لگد کردند، حق فلسطینی‌ها را ضایع کردند؛ اینها «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را فراموش کردند و شدند نوکر کفار، شدند دنباله‌رو کفار. الان بسیاری از سران کشورهای عربی از این قبیل اند؛ این‌ها یک دسته‌اند. یک دسته‌ی دیگر هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را فراموش کرده‌اند، اختلافات بین مسلمان‌ها را به وجود می‌آورند... آن وقت اینها می‌آیند مؤمن بالله را، مؤمن بالقرآن را، مؤمن بالکعبه را، مؤمن بالقبله را تکفیر می‌کنند، می‌گویند کافر است. وقتی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» نبود، جنگ‌های داخلی در کشورهای اسلامی راه می‌افتد؛ سوریه را ببینید، یمن را ببینید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۱/۲۶).

ایشان در نقد دولت‌های اسلامی که این نسبت را برهم زده‌اند، با صراحت می‌فرمایند: «قرآن به ما می‌فرماید که «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ؛ افراد باایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند» (ممتحنه/۱)؛ آیا درباره غزه به این آیه عمل می‌شود؟ چرا سران کشورهای اسلامی علناً مخالفت خودشان، قطع رابطه‌ی خودشان، قطع کمک‌ها و پشتیبانی‌های خودشان از کافر مُقاتِلِ خبیث صهیونیست را اعلام نمی‌کنند؟ قرآن می‌فرماید که «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّيَّ وَ عَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»؛ آیا امروز در دنیا به این آیه عمل می‌شود؟ قرآن می‌فرماید که «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ آیا این شدت عمل، در مقابل رژیم خبیث صهیونیستی نشان داده می‌شود؟ امروز اینها دردهای بزرگ دنیای اسلام است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱۲/۰۳).

شهید آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به نقش محوری امام خمینی (ره) در تبیین نسبت میان شدت و رحمت اشاره می‌کنند. نقل ایشان از وصیت امام (ره) در لحظات حساس بیماری، بسیار پرمعنا و حائز اهمیت است: «در آن لحظه‌ی که امام (ره) ناراحتی قلبی پیدا کرده بودند، ما بشدت نگران بودیم. وقتی که من رسیدم، ایشان انتظار و آمادگی برای بروز احتمالی حادثه را داشتند. بنابراین، مهمترین حرفی که در ذهن ایشان بود، قاعداً می‌باید در آن لحظه‌ی حساس به ما می‌گفتند. ایشان گفتند: قوی باشید، احساس ضعف نکنید، به خدا متکی باشید، «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» باشید و اگر با هم بودید، هیچکس نمیتواند به شما آسیبی برساند. به نظر من، وصیت سی صفحه‌ای امام (ره) می‌تواند در همین چند جمله خلاصه شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴، ص. ۸۰). این بیان نشان می‌دهد که نسبت این دو مؤلفه چنان حیاتی است که امام (ره) در آستانه ارتحال، آن را به عنوان مهم‌ترین وصیت خود مطرح می‌کنند. نتیجه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در کنار هم، مصونیت جامعه اسلامی از آسیب‌های دشمن است. تحلیل دیدگاه‌های شهید آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که نسبت میان «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در هندسه فکری ایشان دارای ویژگی‌های زیر است: یگانگی منشأ (هر دو از ولایت نشأت می‌گیرند)، تلازم وجودی (جدایی ناپذیرند)، رابطه مکملی (یکدیگر را تقویت می‌کنند)، و هشدار نسبت به واژگونی (أَشِدَّاءُ بَيْنَهُمْ). این نگاه، چکیده حکمت الهی و نقشه راه جامعه اسلامی برای دستیابی به عزت، استقلال و امنیت در برابر تهدیدات دشمنان است.

۵. وجوه تمایز دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای

آنچه دیدگاه تفسیری شهید آیت‌الله خامنه‌ای را از آرای دیگر اندیشمندان و مفسران متمایز می‌سازد، صرفاً در گستره دانش تفسیری ایشان خلاصه نمی‌شود، بلکه به «نوع نگاه» و «کاربست عملی» این آیه در مقام رهبری یک نظام سیاسی بازمی‌گردد. در این بخش، مهم‌ترین وجوه تمایز دیدگاه ایشان در سه محور اساسی تحلیل می‌گردد.

الف) رویکرد نظام ساز و تمدنی

مفسران قرآنی عمدتاً بر معناشناسی واژگان، تحلیل سیاق نزول و استخراج پیام‌های اخلاقی و اعتقادی آیه متمرکز بوده‌اند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج. ۱۸، ص. ۲۹۹؛ طبرسی، ۱۴۰۸، ج. ۹، ص. ۱۹۱) اما شهید آیت‌الله خامنه‌ای با عبور از این سطح، آیه را به مثابه «الگوی برای زیست‌اسلامی» در عصر غیبت و در شرایط تقابل تمدنی با استکبار جهانی بازتعریف می‌کنند. این نگاه نظام‌ساز، تفاوت بنیادین با تفاسیر متقدم دارد زیرا در این دیدگاه، آیه صرفاً یک آموزه اخلاقی فردی نیست بلکه بخشی از یک سیستم منسجم برای سامان‌دهی حیات جمعی جامعه اسلامی است. نکته برجسته در رویکرد شهید آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، قرار دادن این آیه در کنار آیات دیگر (حدید/۲۵؛ توبه/۱۲۸؛ نساء/۵۹) و استخراج یک الگوی چهاربعدی است. این نگاه سیستمی در تفاسیر کلاسیک سابقه ندارد زیرا مفسران پیشین هر آیه را به صورت مجزا تفسیر می‌کردند، اما ایشان با نگاهی کلان‌نگر، این آیات را در کنار هم قرار داده و از آنها یک «نظام زیستی» استخراج می‌کنند. ایشان در بیانات متعدد، تحقق این الگو را زمینه‌ساز ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌دانند.

ب) رویکرد تطبیقی و مصداقیابی عینی (تفکیک میان کفار معاند و غیر معاند)

یکی از برجسته‌ترین وجوه تمایز دیدگاه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، تفکیک دقیق میان کفار معاند و غیرمعاند است. ایشان با استناد به آیه ۸ سوره ممتحنه، تأکید می‌کنند که «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» شامل همه کافران نمی‌شود: «خداوند متعال از آیه‌ی شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» استفاده می‌کند که ما با آن دسته از کفار که با ما نجنگیدند و با ما کاری نداشتند، بلکه با ما نیکی کردند، باید نیکی کنیم و با آنها به عدالت و قسط رفتار کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۷/۲۸). ایشان در جای دیگری با صراحت می‌فرمایند: «کافری که با شما دشمنی نمی‌کند، با شما نمی‌جنگد، به حریم شما تجاوز نمی‌کند، خدا امر می‌کند که با او نیکی کنید». «أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ؛ نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند». این هم در قرآن است. «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» معنایش این نیست که شما با هر کسی که مسلمان نیست، با مشیت برخورد کنید؛ نه» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۳/۰۲/۱۷). این تفکیک دقیق، در حالی که ریشه در آیات قرآن دارد، در تفاسیر کمتر با این صراحت و وضوح تبیین شده است. بسیاری از مفسران متقدم، «کفار» را به صورت مطلق تفسیر کرده و به این تفکیک ظریف توجه راهبردی نداشته‌اند.

مفسران متقدم، «کفار» را عمدتاً به مشرکان صدر اسلام یا اهل کتاب معاند تفسیر می‌کردند و «شدت» را در قالب رفتارهای فردی و جمعی صحابه در مواجهه با دشمنان تاریخی اسلام تبیین می‌نمودند. اما شهید آیت‌الله خامنه‌ای با نگاه راهبردی و مبتنی بر تحلیل شرایط جهانی، مصادیق امروزی «کفار معاند» را در قالب «جبهه استکبار جهانی به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی» بازتعریف می‌کنند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «أَشِدَّاءُ به معنای محکم و غیرقابل نفوذ بودن در مقابل دشمنان است که متأسفانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹). این مصداقیابی، نه یک تفسیر به رأی، که مبتنی بر نظریه «تقابل تاریخی حق و باطل» و تشخیص جبهه باطل در هر عصر است. ایشان با استناد به آیاتی چون «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ؛ هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی» (بقره/۱۲۰) و «وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُوكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا؛ و مشرکان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند» (بقره/۲۱۷)، ماهیت دشمنی استکبار را ذاتی و مستمر معرفی کرده و بر ضرورت تطبیق مستمر مصادیق بر اساس تحولات جهانی تأکید می‌کنند.

ج) کاربست حکومتی آیه (پیوند نظریه و عمل)

سومین و شاید برجسته‌ترین وجه تمایز، «پیوند نظریه و عمل» و «کاربست حکومتی آیه» است. شهید آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر یک نظام اسلامی، این آیه را نه در مقام یک مفسر که در مقام «مدیر و راهبر جامعه اسلامی» تفسیر و اجرا می‌کنند. از این رو، دیدگاه ایشان صرفاً یک نظریه تفسیری انتزاعی نیست بلکه «ترجمه مفاهیم قرآنی به زبان سیاست و حکمرانی» و برنامه عملی برای سیاست‌گذاری در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. ویژگی برجسته اندیشه ایشان، پیوند ناگسستنی میان نظریه و عمل است. ایشان به عنوان رهبر یک نظام اسلامی، آیه ۲۹ سوره فتح را در مقام مدیر و راهبر جامعه اسلامی تفسیر و اجرا می‌کنند. این ویژگی، دیدگاه ایشان را از یک نظریه تفسیری صرف، به برنامه‌ای عملی برای سیاست‌گذاری در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی تبدیل می‌کند. چهار دهه تجربه مستقیم مدیریت و رهبری نظام اسلامی در بحرانی‌ترین شرایط مواجهه با دشمنان، به اندیشه ایشان عمق و غنای ویژه‌ای بخشیده است که آن را به الگویی قابل اجرا برای جامعه اسلامی در عصر حاضر تبدیل می‌کند. این ویژگی، وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر با آثار پیشین است که عمدتاً در سطح نظری و تفسیری باقی مانده‌اند.

(د) تمایز راهبردی با الگوهای سکولار (رئالیسم و لیبرالیسم)

الگوی مواجهه با دشمن در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای (جدول ۱)، تمایزات بنیادینی با جهان بینی مسلط در روابط بین‌الملل و نحوه مواجهه آنها دارد زیرا آنها غالباً بر اساس جهان بینی مادی و انسان محور شکل گرفته‌اند. در این نگاه، جهان صرفاً عرصه تعامل منافع مادی و قدرت‌های بشری است و هدف نهایی، «بقا» و «حداکثرسازی قدرت»، «سود متقابل» و «همکاری برای منافع جمعی» تعریف می‌شود. در مقابل، الگوی اسلامی مبتنی بر جهان بینی توحیدی است که تاریخ را عرصه تقابل دائمی حق و باطل می‌داند: «قرآن کریم جریان تاریخ را به صورت یک جریان مستمر و زنده ترسیم می‌کند که در آن دو جبهه حق و باطل همواره در مقابل یکدیگر قرار دارند. امروز نیز همان تقابل با همان ماهیت، اما با مصادیق جدید ادامه دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۰، ص. ۱۷۱). همچنین، هدف نهایی آن «اقامه قسط» و «تحقق رضایت الهی» است. در تبیین اصول و راهبردهای قرآن کریم در مذاکره با دشمن نیز، «اصل عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی» به عنوان یکی از چهار اصل بنیادین مذاکره اسلامی معرفی شده و تأکید شده است که هدف نهایی، نه صرفاً منافع مادی که اقامه عدل و دفاع از مظلومان است (منتظری و ایزدی، ۱۴۰۴). شهید آیت‌الله خامنه‌ای نیز با استناد به آیه «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) تأکید می‌کنند: «هدف ما از مبارزه با استکبار، صرفاً حفظ قدرت یا منافع مادی نیست؛ هدف ما اقامه قسط و عدل الهی و دفاع از مظلومان عالم است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) از سوی دیگر، انسان موجودی صرفاً مادی و منفعت‌طلب تعریف می‌شود اما در الگوی اسلامی، انسان موجودی دویعدی (مادی و معنوی) است که می‌تواند با انتخاب خود به مقام خلیفه‌اللهی ارتقا یابد: «ملت ایران با همه ملت‌های دنیا «إِمَّا أَوْ شَكَّيْهُ لَكَ فِي خَلْقِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) است، احترام می‌گذارد اما برخورد ملت ایران با متعرض، برخورد پشیمان‌کننده‌ای است؛ آنچنان سیلی‌ای به متعرض خواهد زد که هرگز فراموش نکند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ب، ص. ۱۴۹). این بیان، تلفیقی از رحمت عام انسانی و شدت در برابر متجاوز را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این، در حکمرانی غیر الهی مسئولیت دولت‌ها محدود به مرزهای ملی، گزینشی و محدود است لکن در الگوی اسلامی، مسئولیت مؤمنان و دولت اسلامی فراتر از مرزهای ملی و شامل «امت اسلامی» و «مستضعفان جهان» می‌شود. شهید آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند: «ما هر مقداری که بتوانیم از مظلوم حمایت می‌کنیم و هر مقداری که توانایی‌های ما و وسع ما باشد وظیفه ما است؛ اسلام به ما گفته است که «كُنْ لِلظَّالِمِ خَصْماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (نهج البلاغه، نامه ۴۷) -این سفارش امیرالمؤمنین است- ما نمی‌گوییم «أَنْصُرُ أَهْلَكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» -این شعار جاهلی است؛ قرآن این را نمی‌گوید؛

معرفت اسلامی این را منع می‌کند. نخیر؛ ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی الگوی مواجهه با دشمنان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مبتنی بر تفسیر آیه ۲۹ سوره فتح (أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه ایشان یک الگوی جامع راهبردی با مؤلفه‌ها، ابعاد و نسبت‌های مشخص ارائه می‌دهد که به شرح ذیل است:

«زیست اسلامی» به مثابه چارچوب کلان الگو: آیه ۲۹ سوره فتح در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در چارچوب نظری «زیست اسلامی» معنا می‌یابد. زیست اسلامی از منظر ایشان به «چگونگی زندگی اجتماعی اسلامی» اشاره دارد که منابع آن قرآن، نهج‌البلاغه و روایات معصومین (ع) هستند. آیت‌الله خامنه‌ای مفهوم «أَشِدَّاءُ» را نه به معنای رایج «شدت عمل» و خشونت، بلکه به معنای «سخت بودن، محکم بودن و غیرقابل نفوذ بودن» در برابر دشمن تفسیر می‌کنند. کلیدواژه اصلی در این تعریف، «غیرقابل نفوذ بودن» است که هدف از آن جلوگیری از نفوذ دشمن در جامعه اسلامی می‌باشد.

مفهوم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» در اندیشه ایشان فراتر از یک حس عاطفی، به مثابه یک الزام اجتماعی نهادینه و فعال تعریف می‌شود. البته مهم‌ترین دستاورد نظری پژوهش، تأکید بر پیوند مکمل دو رکن «شدت» و «رحمت» در هندسه فکری رهبر شهید است. در مجموع، الگوی آیت‌الله خامنه‌ای، الگویی همه‌جانبه‌نگر است که در قالب مؤلفه‌های مشخص «شدت» و «رحمت»، در تمامی سطوح و عرصه‌های حیات جمعی (فرهنگی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی) تجلی می‌یابد. این الگو در صدد است تا با دوری از افراط (خشونت کور) و تفريط (سازش بی‌قید)، زیست‌جهان یک امت مقاوم و منسجم را در شرایط پرچالش جهانی به نمایش بگذارد و الگویی عملی برای جریان‌های مقاومت و دولت‌های اسلامی در مواجهه با استکبار جهانی ارائه دهد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: نویسندگان از هر گونه جعل و سرقت علمی و هر گونه سوءرفتار پژوهشی اجتناب کرده و اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع را تأیید می‌کنند. در فرایند انجام این پژوهش، از ابزار هوش مصنوعی صرفاً برای ویرایش زبانی استفاده شده است. تمامی تحلیل‌ها، استدلال‌ها و نتیجه‌گیری‌های علمی، توسط نویسندگان مقاله انجام شده و مسئولیت علمی آن بر عهده ایشان است. هیچ‌گونه داده‌ای بدون راستی‌آزمایی و تأیید نویسندگان در مقاله استفاده نشده است.

مشارکت نویسندگان: همه نویسندگان به‌طور برابر در مفهوم‌سازی مقاله و نگارش پیش‌نویس اولیه و نسخه‌های بعدی آن اعم از نسخه بازبینی‌شده و ویرایش‌شده مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

سپاسگزاری

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، نسخه فیض الاسلام.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار الفکر.
- برزویی، مجتبی و جمالی زواره، زهرا (۱۴۰۱). بازشناسی مؤلفه‌های اسطوره ماندگار مقاومت اسلامی؛ شهید چمران و شهید قاسم سلیمانی از کلام مقام معظم رهبری. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۱(۴)، ۸۵-۱۰۴.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23225645.1401.11.2.6.5>
- حق، عیسی؛ احمدی، علی و رضوی، سید مهدی (۱۴۰۳). دشمن‌شناسی و شیوه‌های تعامل با دشمنان از دیدگاه قرآن، روایات و فقه امامیه. مطالعات میان رشته‌ای فقه، ۴(۲)، ۱۳۱-۱۵۵.
- https://mrfeqh.ctb.iau.ir/article_703716.html
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای درباره شخصیت حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف). گردآورنده: مطهری، مهدی. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷ الف). روشنای آینده. گردآورنده: هلودی، موسی. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷ ب). فلسطین از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای. گردآورنده: صلح میرزائی، سعید. تهران: انقلاب اسلامی.
- منتظری، علی و ایزدی، مهدی (۱۴۰۴). اصول و راهبردهای قرآن کریم در مذاکره با دشمن. آموزه‌های قرآنی، ۲۲(۴۲)، ۱۸۵-۲۲۲.
- <https://doi.org/10.30513/qd.2025.6911.2528>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸ الف). سیاست از منظر آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. گردآورنده: سیاهپوش، امیر. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸ ب). اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله‌العظمی. سید علی خامنه‌ای. گردآورنده: صلح میرزائی، سعید. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸ ج). از نیمه خرداد. گردآورنده: غفاری، مصطفی. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸ د). ارمغان. تهران: انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲). جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای. گردآورنده: صلح میرزائی، سعید. تهران: انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). الکشاف. بیروت: دار الکتاب العربی.
- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- شبانی، اعظم سادات و جلالی کندی، سهیلا (۱۳۹۶). شیوه‌های مواجهه با دشمن در قرآن کریم و کتاب مقدس عبری. معرفت ادیان، ۸(۲)، ۲۹-۵۲.
- <https://marefateadyan.nashriyat.ir/node/306>
- صباغچی، یحیی و پاکروان، مهدیه (۱۴۰۰). تحلیل انتقادی رویکردهای تفسیری ذیل آیه "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ". تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۸(۴)، ۹۳-۱۲۱.
- <https://doi.org/10.22051/tqh.2021.35783.3194>
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۰۲). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: مکتبه المرتضویه.
عباسی خوشکار، امیر (۱۴۰۲). جنگ ترکیبی دشمن و راهکارهای مقابله با آن از منظر آیت الله العظمی خامنه‌ای. مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۱(۲)، ۷۴-۵۵. <https://doi.org/10.22034/irsj.2024.443040.1038>
فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین، قم: مؤسسه دار الهجره.
قاسمی، جمال الدین (۱۴۱۸). محاسن التأویل. محقق: سود، محمد باسل عیون. بیروت: دار الکتب العلمیه.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

نرم افزارها و پایگاه‌ها:

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir
پایگاه جامع قرآنی نور. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
نرم افزار جامع التفاسیر ۴. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور
نرم افزار حدیث ولایت ۳. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.
نرم افزار دانشنامه علوی ۳. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir